

نقش تربیت اسلامی بر رشد اجتماعی و سازگاری دانش‌آموزان دختر پایه‌ی سوم ابتدایی شهرستان اسلام‌آبادغرب

محمد حسین حاتمی^۱، زینب بالائی منصوری^۲

^۱آموزش و پرورش شهرستان اسلام‌آباد غرب ، hossein12300523@gmail.com

^۲آموزش و پرورش شهرستان اسلام‌آباد غرب ، zainabBalaei@gmail.com

چکیده

این مقاله با هدف بررسی نقش تربیت اسلامی بر رشد اجتماعی و سازگاری دانش‌آموزان دختر سال سوم ابتدایی شهرستان اسلام‌آبادغرب در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ انجام گرفته است. جامعه آماری مقاله حاضر کلیه دانش‌آموزان دختر پایه‌ی سوم ابتدایی شهرستان اسلام‌آبادغرب در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ به تعداد ۶۸۶ نفر می‌باشند. با توجه به اینکه روش انجام مقاله نیمه‌تجربی با دو گروه آزمایش و گواه می‌باشد، دو مدرسه به طور خوشه‌ای از نقاط مختلف شهرستان اسلام‌آبادغرب انتخاب و از هر مدرسه یک کلاس پایه‌ی سوم ابتدایی با ۴۲ دانش‌آموز به طور خوشه‌ای (یک کلاس گروه آزمایش و یک کلاس گروه کنترل) به عنوان نمونه‌ی مقاله مورد نظر انتخاب گردیدند. در مجموع ۸۴ دانش‌آموز انتخاب گردیدند. برای سنجش رشد اجتماعی و سازگاری از مقیاس رشد اجتماعی واینلند و سازگاری بل استفاده شد. داده‌های خام با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS22 مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. با جمع‌آوری نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون مربوط به دو گروه ابتدا آزمون نرمال بدون متغیرها انجام گردید. تحلیل کوواریانس انجام گردید. شرط برابری شیب‌های رگرسیون میان پیش‌آزمون و پس‌آزمون دو گروه بررسی شد. سپس آزمون مقایسه میانگین دو جامعه از طریق T test انجام گردید. نتایج این پژوهش نشان داد که تفاوت بین دو گروه آزمایش و کنترل معنادار بوده و تربیت اسلامی، بر رشد اجتماعی، سازگاری خانوادگی، سازگاری عاطفی و سازگاری روانی تأثیر مثبت و بسزایی داشته‌است.

واژه‌های کلیدی: تربیت اسلامی، رشد اجتماعی، سازگاری خانوادگی، سازگاری روانی، سازگاری عاطفی

مقدمه

تعلیم و تربیت اسلامی، به عنوان یک رشته علمی یا عرصه‌ای مطالعاتی که به بررسی مسائل تعلیم و تربیت از منظری اسلامی می‌پردازد، در کانون توجه اندیشمندان مسلمان در چند دهه اخیر

بوده‌است. از مهم‌ترین دلایل این توجه و اهتمام، نفوذ نظام‌های آموزشی و دیدگاه‌های تربیتی روییده در تمدن غیر اسلامی غرب به جوامع اسلامی معاصر و تأثیرات تدریجی و در عین حال شگرف، این نظام‌ها و نظریه‌ها بر تمامی عرصه‌های فرهنگی و معرفتی مسلمانان است؛ زیرا این نظام‌های تربیتی، مهم‌ترین مسیر جریان یافتن سیل سهمگین نظریه‌ها و دیدگاه‌های غیر دینی و بعضاً ضد دینی دیگر رشته‌های علوم انسانی و طبیعی در این جوامع بوده و هستند [۱۳].

در قلمرو تربیت به کارگیری شیوه‌های مبتنی بر اصول و مبانی استوار از عوامل توفیق در چنین عرصه‌ای به شمار می‌رود. اصول تعلیم و تربیت مفاهیم، نظریه‌ها و قواعد نسبتاً کلی است که در بیشتر موارد صادق است و باید راهنمای مربیان، مدیران، اولیای فرهنگ و والدین دانش‌آموزان در تمام رفتار تربیتی باشد. اساساً امکان تربیت آدمی در گرو اصول شناخته‌شده‌است که آشنایی و رعایت آن‌ها توسط مربیان، موفقیت نظام تربیتی را تضمین می‌کند؛ اصولی که راهنمای تمام فعالیت‌های مربیان قرار می‌گیرد؛ علم و هنر تربیت را مهیا می‌سازد و همه جوانب گوناگون رشد و تعالی انسان را به هر سمت و سویی سوق می‌دهد [۲].

تربیت دینی را می‌توان احیای دین‌داری و یا ایجاد التزام قلبی و عملی نسبت به شریعت و ایجاد و پرورش عشق و محبت نسبت به خداوند، به عنوان تنها کسی که سزاوار عشق ورزیدن است و برگزیدن همه محبوب‌ها و معشوق‌های دیگر در راستای عشق او، دانست. به این ترتیب، تربیت دینی را می‌توان همان هدایت و هدایت‌گرایی‌های فطری انسان دانست که شامل: پرورش حقیقت‌جویی و حق‌طلبی، پرورش خداجویی و اصل‌اعطای بینش می‌باشد [۳]. رشد اجتماعی افراد به معنای همسانی و همخوانی آن‌ها با قواعد، ارزش‌ها و نگرش‌های گروهی و اجتماعی است. در این فرایند افراد مهارت‌ها، دانش‌ها و شیوه‌های سازگاری را می‌آموزند و امکان روابط متقابل را در یک فعل و انفعال مستمر بدست می‌آورند [۱۱].